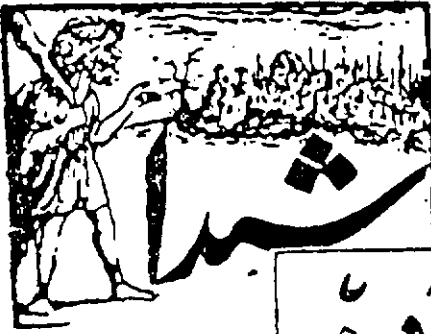


۱- ...  
۲- ...  
۳- ...  
۴- ...  
۵- ...  
۶- ...  
۷- ...  
۸- ...  
۹- ...  
۱۰- ...



۱- ...  
۲- ...  
۳- ...  
۴- ...  
۵- ...  
۶- ...  
۷- ...  
۸- ...  
۹- ...  
۱۰- ...

۱- ...  
۲- ...  
۳- ...  
۴- ...  
۵- ...  
۶- ...  
۷- ...  
۸- ...  
۹- ...  
۱۰- ...



۱- ...  
۲- ...  
۳- ...  
۴- ...  
۵- ...  
۶- ...  
۷- ...  
۸- ...  
۹- ...  
۱۰- ...

خلاصه الحوادث  
را حقیقت و حقیق و حقیق  
بر...

# میلاد فیصله

۳۶ ... ۳۸

## مطبوعات برون مرزی فارسی زبان دوره قاجار

### گیتا علی آبادی

روزنامه‌ها وارد مرحله خیری و تجاری خود شده بودند، مردم در ایران با آن آشنا شدند، آن هم با روزنامه‌های انقلابی و مردمی از یکسو و روزنامه‌های دولتی و استبدادی از سوی دیگر. اعزام ایرانیان برای تحصیل علوم جدید به اروپا و ورود خارجی‌هایی که به عنوان معلم در مدرسه دارالفنون به تدریس پرداختند، باعث آشنایی ایرانیان با فرهنگ اروپایی شد. از طرفی توجه به پیشرفت اروپاییان در علوم و تکنولوژی و مسقیسه آن بسا عقب‌ماندگی، فقر و استبدادی که در ایران حاکم بود، منجر به تغییراتی در طرز تفکر آنها شد. در چنین اوضاعی عده‌ای از اهل قلم و حتی آنهایی که در این راه نبودند، شروع به نوشتن مقالات و مطالب انتقادی و روشنگر کردند تا از این طریق مردم را از آنچه که

این آگاهی از ورود روزنامه‌های فارسی زبان به داخل کشور سرچشمه می‌گرفت. سانسور مطبوعات و دولتی بودن روزنامه‌ها در ایران، استعمار خارجی، نفوذ برخی روحانی نمایان در دستگاه حکومتی، استبداد داخلی، اوضاع نابسامان اقتصادی و بسیاری از این موارد پدید آورنده اوضاع و احوال ایران در عهد ناصری و مدتی پس از آن بود. در چنین فضایی فعالیت‌های مطبوعاتی در ایران به صورت اقتباس شده از آنچه که در غرب متداول بود آغاز شد. اما تفاوت اساسی در این میان سیر تاریخی آن است. روزنامه که چندی پس از اختراع چاپ در اروپا وارد زندگی مردم شد، سیری طبیعی را پیمود در حالی که روزنامه‌نگاری در ایران این سیر طبیعی را طی نکرد و زمانی که اروپا مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته و

مقدمه  
روزنامه و روزنامه‌نگاری در ایران - به معنای امروزی آن - از اوایل سلطنت ناصرالدین شاه متداول شد. روزنامه ابتدا در دربار و در میان اطرافیان شاه رواج یافت و بعد از مدتی - به جهت استحضار ساکنین ممالک محروسه ایران قلمی و تذکره شد<sup>(۱)</sup> - در سطح جامعه انتشار یافت اما از همان ابتدا، مطبوعات دولتی بودند و سانسور بر آنها حاکم بود. بر همین اساس ایرانیان مقیم خارج به انتشار نشریاتی در آن سوی مرزهای ایران پرداختند و این خود یکی از عوامل آگاهی دهنده برای مردم بود.  
اطلاع مردم از فرهنگ و پیشرفت آنان در تمام زمینه‌ها و آشنایی با فرهنگ و قوانین حاکم بر جوامع گوناگون، باعث تحول فکری و در نهایت ظهور پدیده‌ای به نام «مشروطه» در ایران شد. بخش بیشتر

می‌گذرد آگاه کنند و این روشنگری از راه انتشار روزنامه بود.

در صحنه سیاسی ایران عهدناصری می‌توان از دو صدراعظم لایق نام برد. امیرکبیر و سپهسالار، از سال ۱۲۸۷ تا ۱۲۹۷ ه. ق یعنی حدود ۱۰ سال سپهسالار عهده‌دار این پست بود و طی این مدت در زمینه فعالیت آزاد روزنامه‌نگاری و انتشار مطبوعات مردمی پیشرفت‌هایی در خور توجه مشاهده شد. اما پس از عزل وی تا ترور ناصرالدین‌شاه (۱۲۹۷ - ۱۳۱۳ ه. ق) در همه زمینه‌ها سیری قهقراپی به چشم می‌خورد.

در این ۱۶ سال با هر نوع اندیشه ترقی‌خواهی و نوآوری مخالفت شد و در زمینه مطبوعات فعالیت قابل توجهی صورت نگرفت و روزنامه‌ها غیراز تملق و چاپلوسی و تحریف حقایق، مطلبی نداشتند. اما در برابر این واپس‌گرایی در زمینه روزنامه‌نگاری نمی‌توان یک تحول بزرگ را نادیده گرفت. تحولی که هم جنبه مثبت و هم جنبه منفی دربر داشت:

- جنبه مثبت آن شکوفایی روزنامه‌های ملی و آزاد «برون‌مرزی» بود که به وسیله ایرانیان وطن دوست و مبارزان راه آزادی منتشر می‌شد و به دست تشنگان آگاهی آزادی در ایران می‌رسید.

- اما جنبه منفی آن اقدامات دولت و دربار در مقابله با نفوذ و گسترش روزنامه‌های برون‌مرزی در بین مردم کشور بود، تا آنجا که به کمک روسیه تزاری تشکیلات انتشاراتی و تبلیغاتی برپا کرد و کنترل بیشتری را از طریق ایجاد وزارت انطباعات اعمال و در نهایت اقدام به ایجاد «اداره سانسور خارجی» به شکل رسمی در این وزارتخانه کرد.

از آنجا که روزنامه‌های داخلی تحت کنترل دولت بود، پس در خارج از حیطه سانسور دولتی روزنامه‌ها منتشر شدند و چون به وضعیت داخلی ایران حمله می‌شد کم‌کم سخت‌گیری‌ها برای ورودشان آغاز و در نهایت زمانی به کلی ورود نشریات فارسی زبان مخالف با

■ اطلاع مردم از فرهنگ و پیشرفت آنان در تمام زمینه‌ها و آشنایی با فرهنگ و قوانین حاکم بر جوامع گوناگون، باعث تحول فکری و در نهایت ظهور پدیده‌ای به نام «مشروطه» در ایران شد.

■ روزنامه‌های برون‌مرزی در دوره استبداد قاجار به دو دوره تقسیم می‌شود: پیش از صدور فرمان مشروطیت و در استبداد صغیر یعنی دوره سلطنت محمدعلی شاه.

■ اگر در ایران صنعت چاپ و چاپخانه - که به وسیله ارتباط با غرب به لزوم آن پی‌برده شد - دایر نشده بود، روزنامه هم به معنی امروزی آن وجود نداشت.

می‌شد. در بین روزنامه‌های سیاسی - اجتماعی، اختر، قانون، حبل‌المتین، پرورش و در میان روزنامه‌های فکاهی، ملانصرالدین بیشترین طرفدار را داشتند، البته باید توجه داشت که این روزنامه (ملانصرالدین) به زبان ترکی منتشر می‌شد اما به علت مصور بودن (کاریکاتور) تمام مردم حتی آنهایی که ترک زبان نبودند، آن را دست به دست می‌گرداندند.

روزنامه‌های برون‌مرزی در دوره استبداد قاجار به دو دوره تقسیم می‌شود: پیش از صدور فرمان مشروطیت و در استبداد صغیر یعنی دوره سلطنت محمدعلی شاه.

### روزنامه و روزنامه‌نگاری

روزنامه در گذشته به معنی دفتر یادداشت و گزارش روزانه بوده است. در قرون اخیر نیز تقریباً به همان معنی بود و در واقع گزارش‌هایی را که وقایع‌نگاران از هر گوشه کشور به دولت می‌دادند. روزنامه می‌نامیدند.<sup>۱</sup>

اگر در ایران صنعت چاپ و چاپخانه - که به وسیله ارتباط با غرب به لزوم آن پی‌برده شد - دایر نشده بود، روزنامه هم به معنی امروزی آن وجود نداشت. بعد از سال ۱۰۱۶ میلادی که فرقه‌ای به نام

دولت ممنوع اعلام شد. اما با تمام این سختگیری‌ها نشریات برون‌مرزی به دست مردم می‌رسید. این روزنامه‌ها از طریق سفارتخانه‌ها، درون صندوق یا بارهای تجار و از طریق زوار وارد خاک ایران می‌شد و بین مردم دست به دست می‌گشت. عده‌ای از روی آن رونویسی کرده و بین مردم پخش می‌کردند و بعضی‌ها که دستگاه چاپ داشتند روزنامه را از طریق چاپ ژلاتینی کپی کرده و در اختیار مردم می‌گذاشتند، بدین ترتیب ایرانیان از آنچه که در داخل ایران می‌گذشت آگاه می‌شدند. از طرف دیگر نشریات برون‌مرزی متنوع بوده و روز به روز بر تعداد آنها افزوده می‌شد. این افزایش روزنامه‌ها از یک‌سو و نارضایتی در ایران از طرف دیگر دست به دست هم داد و به تدریج پایه‌های استبداد را سست کرد تا در زمان مظفرالدین شاه فرمان مشروطیت صادر شد. نکته قابل توجه تعدد روزنامه‌ها در طی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ ه. ق (سال صدور فرمان مشروطیت) است. در این چهارسال بیش از ۲۰ روزنامه در شهرهای اروپایی و آسیایی به چاپ می‌رسید و از راه‌های گوناگون وارد ایران می‌شد.

روزنامه‌ها در این دوره با زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و یا فکاهی منتشر

کسرملی‌ها به اصفهان رفتند، نخستین چاپخانه را نیز با خود به ایران آوردند. اما از این وسیله برای چاپ دعاهای مسیحی به زبان فارسی و عربی استفاده شد. در دایرةالمعارف بریتانیکا تحت عنوان «ادبیات ارمنی» از یک ورق که به زبان ارمنی در جلفای اصفهان به چاپ رسیده است، نام برده شده و سال چاپ آن را ۱۰۵۰ ه. ق ذکر کرده و موضوع آن را مذهبی عنوان کرده است.

شاردن، جهانگرد فرانسوی (۱۶۴۳ - ۱۷۱۳ م) نیز در سیاحتنامه خود می‌گوید؛ ایرانیان علاقه زیادی به صنعت چاپ دارند و به فایده و ضرورت آن پی برده‌اند اما کسی پیدا نمی‌شود که چاپخانه بسازد. با این حال نزدیک به ۱۵۰ سال از زمان شاردن گذشت و ایرانیان اقدامی جهت راه‌اندازی و تأسیس چاپخانه نکردند، تا

روزنامه‌های منتشر شده در پایتخت چند شهر بزرگ آن زمان، بیشتر شد و روزنامه نیز در میان زندگی مردم جایی برای خود باز کرد.

اما در این مقاله مطبوعات داخلی مدنظر نیست، بلکه توجه به روزنامه‌های برون مرزی فارسی زبان است که در دوره قاجار توسط ایرانیان مقیم خارج منتشر می‌شد.

#### روزنامه‌های برون مرزی

روزنامه‌های داخلی (درون مرزی) از همان ابتدای کار خود یا تحت کنترل دولت و یا کاملاً دولتی بودند، به همین سبب در داخل ایران، روزنامه‌ای را نمی‌توان یافت که آزادانه به چاپ مطالب گوناگون و موردنظر خود بپردازد. اختناق داخلی، تورم قیمت‌ها، اعطای امتیازات گوناگون از

### ■ شاردن، جهانگرد فرانسوی (۱۶۴۳ - ۱۷۱۳ م) نیز در سیاحتنامه خود می‌گوید؛ ایرانیان علاقه زیادی به صنعت چاپ دارند و به فایده و ضرورت آن پی برده‌اند اما کسی پیدا نمی‌شود که چاپخانه بسازد.

این که برای اولین بار در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار و به همت عباس میرزا چندتن از ایرانیان این فن را در اروپا آموختند و دستگاه چاپ سربی و بعد چاپ سنگی را به ایران آوردند.

اما روزنامه‌نگاری در ایران از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه به معنی امروزی آن متداول شد. اگر چه در سال ۱۲۵۳ ه. ق میرزا صالح شیرازی اولین روزنامه را در ایران به زبان فارسی منتشر کرد اما پس از چند شماره متوقف شد. روزنامه در اصل ورق‌های کوچکی بود که اخبار و حوادث گوناگون دربار و دولت در آن نوشته و منتشر می‌شد.

این اوراق ابتدا در دربار و در میان اطرافیان شاه پراکنده می‌شد اما پس از مدتی عمومیت یافت و در دسترس مردم هم قرار گرفت. به این ترتیب کم‌کم تعداد

از انتشار اختر، در عثمانی (ترکیه) و هند منتشر می‌شدند. شاید یکی از دلایلی که اولین روزنامه‌های فارسی زبان در هند منتشر شد، مهاجرت ایرانیانی بود که از زمان حمله مغول و بعد از آن به این سرزمین رفته بودند و به فارسی تکلم می‌کردند، از طرف دیگر وجود استعمار مستقیم در هند و ورود فرهنگ انگلیسی به آنجا، روزنامه را نیز با خود به این سرزمین وارد کرد و ایرانیان را نیز به فکر انتشار روزنامه به زبان فارسی انداخت. اما علت هرچه باشد اولین روزنامه‌هایی که نامی از آنها باقی است - چرا که از تمام روزنامه‌های قدیمی، نسخی باقی نمانده و گاه ذکر نام بعضی از روزنامه‌ها در دیگر نشریات موجب پی‌بردن به وجود چنین روزنامه‌هایی شده است - در شهرهای هند انتشار یافته‌اند. از جمله اخبار ایرانی (۱۷۹۸ م برابر ۱۲۱۲ - ۱۲۱۳ ه. ق در دهلی)، سلطان‌الاخبار (۱۸۴۶ م برابر ۱۲۶۲ ه. ق در کلکته)، جام‌جمشید (۱۸۴۶ م برابر ۱۲۶۲ ه. ق در بمبئی)، سکندر (۱۸۴۶ م برابر ۱۲۶۲ ه. ق در کلکته)، جام جهان‌نما (۱۸۴۷ م برابر ۱۲۶۳ ه. ق در کلکته)، لودیانه اخبار (۱۸۴۶ م برابر ۱۲۶۲ ه. ق در کلکته) و مفرح‌القلوب (ظاهراً ۱۸۵۶ م برابر ۱۲۷۲ ه. ق در بندر کراچی) را می‌توان نام برد. اما در خود کشور عثمانی نیز روزنامه‌ای به نام ترکستان پیش از روزنامه اختر منتشر شده است که نمونه‌ای از آن به وسیله مشیرالدوله در سال ۱۲۸۱ ه. ق (۱۸۴۵ م) به تهران فرستاده شده بود. با این حال هنوز بحث بر سر اولین روزنامه فارسی برون مرزی ادامه دارد و به روشنی نمی‌توان نخستین روزنامه را معرفی کرد.

و اما روزنامه اختر<sup>(۲)</sup>، نخستین شماره آن روز پنجشنبه ۱۶ ذیحجه ۱۲۹۲ ه. ق (۱۸۷۵ م) در استامبول منتشر شد. این روزنامه با کمک سفیر ایران در عثمانی (میرزا محسن‌خان معین‌الممالک) و به مدیریت آقا محمد طاهر تبریزی و نویسندگی میرزا نجفعلی خان خوبی

(مترجم و نایب سفارت ایران در عثمانی) پایه‌گذاری شد. در این نشریه از سیاست، تجارت و علم و ادب سخن می‌رفت. روزنامه اختر چنان شهرتی در ایران، قفقاز، عثمانی، هندوستان و عراق یافت که در بعضی از نواحی قفقاز، عوام که روزنامه خواندن را کفر می‌دانستند، خواص را که به خواندن اشتیاق داشتند «اختری مذهب» می‌خواندند.<sup>(۳)</sup> از طرفی نفوذ این روزنامه در ایران چنان بود که در زمان صدرارت امین‌السلطان پخش و مطالعه آن از سوی ناصرالدین‌شاه به کلی ممنوع شد. محمدصدر هاشمی در توصیف این روزنامه می‌نویسد: «... در حقیقت در

روزنامه‌ای بود که موضوع قانون اساسی ۱۱۹ ماده‌ای سلطان عثمانی را با مقاله‌ای درج کرد. قانون اساسی شامل این اصول بود:

حقوق عمومی افراد، حرمت شخصی، امنیت جان و مال و مسکن، مساوات قانونی، منع شکنجه، آزادی مطبوعات در دایره قانون، آزادی تدریس عمومی، تشکیل مجلس عمومی... به گفته احمد کسروی این روزنامه در پیشامدهای مهم، از جمله داستان امتیاز توتون و تنباکو، مقالات مغزدار و سودمندی نوشت.<sup>(۴)</sup>

روزنامه اختر از وضعیت روزنامه‌ها در ایران انتقاد می‌کرد و محتوای آنها را فرمایشی می‌خواند. در یک شماره

## ■ روزنامه‌نگاری در ایران از آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه به معنی امروزی آن متداول شد.

■ اختناق داخلی، تورم قیمت‌ها، اعطای امتیازات گوناگون از طرف دولت و دربار به خارجی‌ها برای گرفتن وام، جنگ‌های بی‌سرانجام و گرفتن مالیات‌های کلان باعث شد تا اعتراض مردم نسبت به کارهای دولت آغاز شود.

## ■ اولین روزنامه به معنای امروزی که مطالب آن مضمون سیاسی و اجتماعی داشت، روزنامه اختر است.

دوران تیره و تاریک استبداد، روزنامه اختر کمک بزرگی<sup>۲</sup> به تنویر افکار ایرانیان نموده و در ایامی که جرایم این مملکت منحصر به چند روزنامه درباری از قبیل ایران و اطلاع بوده، روزنامه اختر... جریده قابل مطالعه زبان فارسی به‌شمار می‌رفته است...»

اختر، سرآغاز موج نوین روزنامه‌نگاری متعهد و مسؤول بود و توانست پایه‌های تحول فرهنگی انقلاب مشروطه را استوار سازد. این روزنامه مطبوعات ایران را از چارچوب تنگ روزنامه‌نگاری دولتی ایران خارج کرد و زمینه‌ساز تولد روزنامه‌نگاری سیاسی - مردمی شد. از طرفی اختر نخستین

روزنامه چنین آمده است: «... به جز بعضی تشریفات اتفاقیه، خبری در آن نیست! صفحه‌ها را پر می‌کنند به ترجمه بعضی حکایت‌های بی‌معنی فرنگستان و وقایع گذشته و خیالیه... اگر هم خبری رسیده باشد جز سلامتی حال حاکم که ستایش از عدل و داد ولات به‌طور عام، چیزی نیست...»<sup>(۴)</sup>

از جهتی روزنامه اختر نخستین روزنامه فارسی زبان بود که به سبک و نگارش جدید منتشر می‌شد. از جمله نویسندگان این روزنامه میرزا آقاخان کرمانی، شیخ‌احمد روحی، میرزا مهدی‌خان تبریزی (ناشر حکمت در قاهره)، میرزا علی محمدخان کاشانی

(ناشر نسیا و پرورش) و میرزا حبیب‌اصفهانی بودند. در این میان میرزا حبیب‌اصفهانی نخستین اثر نمایشی را ترجمه کرد و در اختیار قارس‌زبانان قرار داد. باید گفت وی اولین مترجم آثار نمایشی فرنگستان در ایران بود. اما روزنامه اختر نیز به سهم خود نقش مهمی در آشنایی ایرانیان با «نمایش فرنگستان» داشت. در این روزنامه علاوه بر چاپ آگهی‌هایی راجع به «تئاتر» مقالاتی سودمند نیز درباره نمایش چاپ می‌شد. در دو شماره از روزنامه، یک مقاله راجع به «تماشا و تماشاخانه» چاپ شده که ترجمه و تلخیص میرزا حبیب‌اصفهانی است. این مقاله اولین سند تاریخ نمایش ایران است که درباره «تاریخ نمایش در جهان» نوشته شده است. نگارش این مقاله و چاپ آن در روزنامه اختر از جمله حوادث مهم ادبی - نمایشی بوده که کمک شایانی به ترویج این هنر نو در آن دوره بوده است.<sup>(۵)</sup>

آنچه مسلم است این روزنامه بسیار مفیده بوده و با قلمی موشکافانه رخدادهای برای مردم تشریح می‌کرده و شعور سیاسی آنها را ارتقاء می‌داده است. این روزنامه در آغاز به غیر از روزهای جمعه و یکشنبه هر روز و پس از مدتی، دوبار در هفته در روزهای شنبه و چهارشنبه و در سال‌های آخر به‌طور هفتگی انتشار یافت. روزنامه اختر پس از ۲۰ سال و به قولی ۲۲ سال، در سال ۱۳۱۳ ه. ق (یا ۱۳۱۲ ه. ق) از طرف دولت عثمانی توقیف و دیگر منتشر نشد.

یکی از مردان ارزنده در صحنه سیاسی ایران میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله بود. اگر چه درباره او سخن‌ها رفته است اما از نقش قابل‌تحمین او در نهضت آزادیخواهی و انقلاب مشروطه نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. وی از نزدیکان دربار و مدت‌ها سفير ایران در انگلیس بود و بر سر امتیاز لاتاری مقام و منصب خود را از دست داد (سال ۱۳۰۶ ه. ق) و ناگهان از گذشته خود برید. وی در روز ۲۹ جمادی‌الثانی

۱۳۰۷ ه. ق برابر با ۲۰ فوریه ۱۸۹۰ م نخستین شماره از روزنامه خود به نام «قانون» (۶) را منتشر کرد. (شماره‌های قانون تاریخ نداشت) این روزنامه نیز به سرعت مورد توجه مردم قرار گرفت و از اختر هم پرطرفدارتر شد. با انتشار این روزنامه نشر عامیانه رواج یافت و نشر قدیمی جای خود را به این نشر جدید داد. تا زمان انقلاب مشروطه نیز بسیاری از نشریات چنین نگارشی را برگزیدند و به انتشار روزنامه‌های عامه‌پسند و انقلابی پرداختند. این سبک نوشتاری که تا آن زمان در روزنامه‌ای به کار نرفته بود، مردم را به خواندن ترغیب می‌کرد. روزنامه قانون در اوج اختناق وارد میدان شد و با مقالاتی تند به دربار و صدراعظم حمله کرد. این روزنامه در زمانی منتشر شد که ادای لفظ قانون، جرم شناخته می‌شد و سیدجمال‌الدین اسدآبادی را نیز به همین جرم از ایران راندند و او را «قانونی» خواندند. نقل است که «ذکاءالملک (محمدحسین) در روزنامه‌ای به نام تربیت گاه مطلبی از زبان فرانسه ترجمه می‌کند، هر زمان که به کلمه قانون می‌رسد ناگزیر به جای آن، کلمه قاعده را به کار می‌گیرد.» (۷)

همکار ملک‌خان در تدوین روزنامه، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و سپس میرزا آقاخان کرمانی بود که با روزنامه اختر نیز همکاری داشت. با وجود سانسور شدید حاکم بر ایران، این روزنامه حتی به اندرون حکومت شاهی هم می‌رسید. در شماره هفتم روزنامه قانون آمده است که: «جریده قانون را چرا در خارج انتشار می‌دهد؟ به جهت این که حرف حق زدن در خاک ایران ممنوع است.» در این هنگام فشار دولت زیاد شد و تمام محموله‌های پستی داخلی و خارجی مورد بازرسی و تفتیش قرار گرفت تا مبادا از داخل نیز اخبار به خارج درز کند. اما با تمام دشواری‌ها، روزنامه قانون وارد ایران می‌شد و بین مردم دست به دست می‌گشت. بعد از آن که هفت شماره آن

توسط پست و قاصد به تهران رسید و توزیع شد، دستور توقیف روزنامه نیز صادر شد. در این میان جنبش تنباکو سبب شد تا فعالیت روزنامه‌ها در خارج و شب‌نامه‌ها و اعلان‌ها در داخل افزایش یابد. روزنامه‌های آزاد ملی و اختر و قانون به ایران می‌رسید و برای روشن کردن اذهان عمومی مطالبی ارزنده داشت. ورود این روزنامه‌ها حتی از طریق قرارداد آنها در لایه‌های روزنامه‌های خارجی زبان نیز صورت می‌گرفت و پخش آنها پس از دریافت یک نسخه، از راه رونویسی و یا

۴۱ شماره منتشر شد اما چون این روزنامه فاقد تاریخ است به درستی نمی‌توان مشخص کرد که دقیقاً در چه زمانی از انتشار باز ماند. اما روزنامه قانون نه تنها باعث تحول فکری ایرانیان شد بلکه سبک نگارش آن نیز برای ایرانیان جالب بود. از اوایل قرن چهاردهم هجری سبک نگارشی در ایران باب شد که در کار روزنامه‌نگاری و حتی کتاب نویسی هم به کار می‌رفت. این سبک نو «مکالمه‌نویسی» بود که همان شیوه سؤال و جواب است. این شیوه نگارش به «تیاترنویسی» هم معروف شده است، اما در میان روزنامه‌ها، نخستین بار

- شاید یکی از دلایلی که اولین روزنامه‌های فارسی زبان در هند منتشر شد، مهاجرت ایرانیانی بود که از زمان حمله مغول و بعد از آن به این سرزمین رفته بودند و به فارسی تکلم می‌کردند.
- اختر، سرآغاز موج نوین روزنامه‌نگاری متعهد و مسؤول بود و توانست پایه‌های تحول فرهنگی انقلاب مشروطه را استوار سازد.

این شیوه را میرزا ملک‌خان در روزنامه قانون ابداع کرد.

ملک‌الشعرای بهار در کتاب سبک‌شناسی می‌نویسد: «ملک سبک خاصی در نشر پیش گرفت که می‌توان مکتب ملک نامید، به شیوه سؤال و جواب و به‌طور تیاتر رساله‌هایی می‌نوشت و قصدش اصلاح و ایجاد قانون بود.»<sup>۲</sup>

این گفت‌وگوهای نمایشی، سهم بسزایی در آشنایی اهل قلم با «تیاترنویسی» داشته است و بعید نیست بسیاری از نمایشنامه نویسانی که اکنون

امکانات بسیار محدود چاپی مثل چاپ ژلاتین امکان‌پذیر می‌شد.

پس از مدتی، دستگیری افراد شبکه توزیع روزنامه در داخل آغاز شد (رمضان ۱۳۱۸ ه. ق) که می‌توان گفت نخستین بازجویی‌ها و محاکمات رسمی روزنامه‌نگاران بود.

روزنامه قانون قیمت اشتراک خود را در هر دوره تغییر می‌داد و روی صفحه چنین می‌نوشت: «یک لیره انگلیسی» سپس «فهم کافی» بعد از مدتی «شرط آدمیت» و به همین ترتیب ادامه داد. از این روزنامه ۴۲ شماره و به قولی



آنها را بدین نام می‌شناسم از طریق همین «گفت‌وگو نویسی نمایشی ساده اولیه» پا به عرصه هنر نمایشی نویسی گذاشته باشند.<sup>(۸)</sup>

روزنامه قانون در شماره اول خود قسمت‌هایی از کتاب معروف «استوارت میل» را به نام در آزادی به فارسی ترجمه و منتشر کرد. انتشار چنین مطالبی با نگارش شیوا و شیرین روزنامه‌ها در انقلاب فکری و نهضت سیاسی و اجتماعی ایران تأثیری اساسی داشت. روزنامه قانون در بسته‌های پستی سفارتخانه‌ها به ایران وارد می‌شد و تا شهرهای دور، مثل قفقاز هم می‌رفت.

بعد از انتشار دو روزنامه اختر و قانون، روزنامه حکمت<sup>(۹)</sup> وارد میدان سیاست می‌شود. حکمت به عنوان یکی از جراید ملی و روشنگر از ۱۴ جمادی‌الآخر ۱۳۱۰ ه. ق (۱۸۹۳ م) به همت میرزا مهدی خان تبریزی (زعیم‌الدوله) در قاهره منتشر شد. میرزا مهدی خان تبریزی هدف از انتشار این روزنامه را جز بیداری مردم ایران و ترغیب آنها به انجام نهضت مشروطیت نمی‌داند. وی اولین کسی بود که در مصر روزنامه‌ای به زبان فارسی منتشر کرد. ویژگی این روزنامه در سبک نگارش آن است، مدیر روزنامه در نگارش خود از پارسی سره استفاده می‌کرد و ترکیبات عربی در آن دیده نمی‌شد که این امر خود عاملی برای جذب ایرانیان به سمت این نشریه بود. مندرجات این روزنامه پس از درج سرمقاله سیاسی عبارت بود از اخبار ایران، اخبار مصر، حوادث جهان و مقالات متنوع دیگر، بسیاری از مورخین اخبار مربوط به ایران را که در این نشریه چاپ می‌شد معتبر و قابل اعتماد می‌دانند.

روزنامه حکمت به مدت ۲۰ سال منتشر شد و در سال ۱۳۳۰ ه. ق به علت بیماری مدیر روزنامه یعنی میرزا مهدی خان تبریزی، انتشار آن مستوقف شد و دیگر چاپ نشد. زعیم‌الدوله پس از سه سال که در بستر بیماری بود به سال ۱۳۳۳ ه. ق چشم از

جهان فرو بست. مدیر نشریه چهره‌نما در شماره ۲۰ سال یازدهم روزنامه خود، تحت عنوان «فقدان یکی از ارکان معارف یا وفات زعیم‌الدوله» مطلبی درباره این مرد نیک خیرخواه نوشت.

یکی دیگر از پرفردارترین نشریات برون‌مرزی حبل‌المتین<sup>(۱۰)</sup> است. این روزنامه در تاریخ دهم و یازدهم جمادی‌الثانی ۱۳۱۱ ه. ق زیر نظر سید جمال‌الدین حسینی ملقب به مؤیدالاسلام در کلکته هندوستان منتشر شد. این روزنامه از دموکراسی یا حاکمیت مردم بسیار سخن می‌گفت و به توجیه آن می‌پرداخت. حبل‌المتین نیز مانند دیگر روزنامه‌های برون‌مرزی چون از محدوده فشار و سانسور خارج بود، در سخن گفتن

عراق، روسیه تزاری، مصر و هند بود و به این ترتیب از وقایع و رویدادهای منطقه و جهان اطلاعاتی کافی به دست می‌آورد. نکته قابل توجه دیگر توزیع رایگان این روزنامه به مدت ده سال در میان مردم بود. در این مدت هر هفته پنج هزار نسخه از آن به صورت رایگان توزیع می‌شد. که با این حساب می‌توان آن را پرتیراژترین روزنامه در زمان خود دانست. حبل‌المتین ۳۷ سال منتشر شد و در طی این مدت تیز ۴۳ بار توقیف شد. این توقیف‌ها یا به صورت منع چاپ آن از طرف دولت در هندوستان بود و یا ممنوعیت ورود آن به ایران. با این حال به وسیله جهانگردان و زوار و همچنین از طریق بارها و محوله‌های بازرگانی، به صورت قاچاق وارد ایران

## ■ جنبش تنباکو سبب شد تا فعالیت روزنامه‌ها در خارج و شب‌نامه‌ها و اعلان‌ها در داخل افزایش یابد.

## ■ عروۃ‌الوثقی پس از تشکیل یک انجمن سیاسی به همین نام، با کمک شیخ محمد عبده، مبارز مصری، از ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۰۱ ه. ق منتشر شد.

آزاد بود و در شماره‌ها متعددی در باب قانون و حکومت مشروطه داد سخن داده بود. فکر بیدار کردن مردم ایران یکی از دغدغه‌های ذهنی ناشر حبل‌المتین بود.

زمانی که با سید جمال‌الدین اسدآبادی در بندرعباس دیدار کرد، این فکر در ذهن او جان بیشتری گرفت و تنها راه را در این زمان انتشار روزنامه تشخیص داد. نیاز ملت ایران به آگاهی و انقلاب فکری از نظر این دو تن جز از راه نشر مطبوعات آزاد، برطرف نمی‌شد. به دنبال این دیدار و تبادل نظر بود که روزنامه حبل‌المتین در کلکته انتشار یافت. از ویژگی‌های این روزنامه جامعیت خبری آن است زیرا تنها روزنامه‌ای بود که دارای خبرنگاران اختصاصی در نقاط مختلف از جمله ایران،

می‌شد. ذکر این نکته لازم است که در کنار این روزنامه، مؤیدالاسلام سرپرستی دو روزنامه دیگر و یک مجله را هم به عهده داشت.

نخست روزنامه مفتاح‌الظفر به مدیریت میرزا سیدحسن کاشانی که اولین شماره خود را در سال ۱۳۱۵ ه. ق برابر ۱۸۹۷ م در کلکته منتشر کرد و مطالب آن علمی بود. و پس از آن در سال ۱۳۱۷ ه. ق ۱۸۹۹ م روزنامه‌ای به نام آزاد ضمیمه مفتاح‌الظفر منتشر شد که باز به سرپرستی مؤیدالاسلام و مدیریت میرزا سیدحسن خان کاشانی بود. این روزنامه ویژه نشر اخبار و مقالات سیاسی بود. همچنین انتشار مجله هفتگی ملک و ملت را به زبان انگلیسی در سال

۱۳۱۱ هـ. ق آغاز کرد. باید گفت مؤیدالاسلام شخصی فعال در امور مطبوعاتی بوده است.

از دیگر نشریات ارزشمند که پیش از انقلاب مشروطیت در خارج از ایران منتشر می‌شد روزنامه ثریا<sup>(۱۱)</sup> است. این روزنامه به مدیریت میرزا علی محمدخان کاشی یا پرورش (کاشانی) در قاهره انتشار یافت. اولین شماره این نشریه به تاریخ ۱۴ جمادی‌الآخر ۱۳۱۶ هـ. ق (۲۹ اکتبر ۱۸۹۸ م) به چاپ رسید. مدیر این نشریه نیز مانند سایر مبارزان راه‌آزادی به فکر ملک و ملت بود و روزنامه را

نشریه ثریا به همکار خود، روزنامه پرورش<sup>(۱۲)</sup> را منتشر کرد. نخستین شماره این نشریه در روز جمعه دهم صفر ۱۳۱۸ هـ. ق در قاهره منتشر شد. (۱۹۰۰ م) ادوارد براون درباره این روزنامه می‌نویسد: «... پرورش یکی از مهم‌ترین روزنامه‌های فارسی است... و موجب تهییج افکار و محرک احساسات توده مردم کشور بوده است. و ادامه می‌دهد که پرورش بعد از قانون، آزادمنش‌ترین روزنامه ایرانی در میان تمام مطبوعات فارسی در عصر استبداد بوده است و به جهت آهنگ تند و حملات شدید خویش به اصول اداره و

دارا بودن فهرست مطالب بود که در ستون اول و صفحه اول به چاپ می‌رسید. بعدها تعدادی از جراید صدر مشروطیت نیز از این روش تقلید کردند. این روزنامه آنقدر مورد توجه بود که به‌خصوص در تهران هر هفته روزهای ورود پست خارج، جمعی از جوانان پرحرات ساعت‌ها به انتظار ورود پست و رسیدن روزنامه پرورش لحظه‌شماری می‌کردند، اما پس از مدتی نشریه توقیف و همزمان با این واقعه، مدیر روزنامه به بیماری سل مبتلا شد و سرانجام در سال ۱۳۲۰ هـ. ق (۱۹۰۲ م) در مصر درگذشت. لازم به یادآوری است که میرزاعلی محمد پرورش (کاشی یا کاشانی) مدتی در تهران، در اداره روزنامه ایران و اطلاع سمث منشیگری داشت.

از دیگر نشریاتی که پیش از وقوع انقلاب مشروطه در ایران، وارد کشور می‌شد روزنامه چهره‌نما<sup>(۱۳)</sup> است. این روزنامه از تاریخ سلخ محرم‌الحرام ۱۳۲۲ هـ. ق برابر با ۱۵ آوریل ۱۹۰۴ م به مدیریت عبدالمحمد مؤدب‌السلطان در اسکندریه مصر منتشر شد. محل انتشار آن بعد از دومین شماره سال دوم به قاهره منتقل شد. این نشریه که در واقع ماهنامه بود، روزنامه‌ای مصور و آزاد بود. ماهنامه بودن این نشریه به علت نارسایی‌هایی چون عرب بودن اعضای چاپخانه و فارسی نداشتن آنها بوده است. این روزنامه به عین‌الدوله بسیار حمله می‌کرد اما نثری ضعیف و کهنه داشت. اهمیت این نشریه به دلیل مصوربودن آن است. در واقع عکس‌های مختلفی از رجال ایرانی و غیرایرانی و همچنین ابنیه مختلف در آن جمع است. این نشریه نزدیک به ۴۲ سال به انتشار خود ادامه داد. چهره‌نما آزادانه از آزادیخواهان ستایش و از مستبدین بدگویی می‌کرد و حقایق را برای مردم بازگو می‌کرد. سه پیشامد برای این روزنامه زبان‌آور بود: اول آتش‌سوزی چاپخانه، دوم شیوع وبای عمومی در ایران و سوم توقیف آن در سرحدات ایران

■ **مطبوعات ارتجاعی روسیه در دوران انقلاب مشروطه، اخبار ساختگی و مطالب منحرف کننده زیادی درباره ایران انتشار می‌دادند و سعی داشتند تا تصویری دستکاری شده از رویدادهای آن زمان ارائه بدهند.**

■ **پرورش یکی از مهم‌ترین روزنامه‌های فارسی است و موجب تهییج افکار و محرک احساسات توده مردم کشور بوده است. پرورش بعد از قانون، آزادمنش‌ترین روزنامه ایرانی در میان تمام مطبوعات فارسی در عصر استبداد بوده است.**

تشکیلات دولت ایران، مخصوصاً به علت انتقاد سخت از روش و عملیات مخالف میهن‌پرستی امین‌السلطان، موجبات تهییج افکار عامه و نفرت مردم را از دربار پدید آورد...»<sup>۵</sup>

باید گفت این روزنامه از بهترین نشریات فارسی به شمار می‌رفت و در شکل‌گیری انقلاب مشروطه نقشی بسزا داشت. مندرجات این روزنامه عبارت بود از یک سرمقاله که معمولاً تحت عنوان «سیاسی» نوشته می‌شد، سپس اخبار خارجه و اخبار مربوط به ایران و مقالات مختلفی درباره ایران. ویژگی این روزنامه

آیینی‌ای می‌دانست که می‌توان صورت زشت و زیبا را در آن دید. مطالب این روزنامه شامل اخبار و حوادث ایران و مصر و بعضی اخبار عمومی جهان بود. روزنامه ثریا از شماره ۲۷ سال دوم به سیدفرج‌الله تاجرکاشانی مقیم مصر واگذار شد اما تا شماره ۳۶ سال دوم موجود است و ظاهراً در این زمان یعنی ۲۰ جمادی‌الاول ۱۳۱۸ هـ. ق در مصر توقیف شد و دیگر منتشر نشد و مدیر آن یعنی سیدفرج‌الله تاجرکاشانی به تهران آمد. اما میرزا علی محمدخان کاشی (کاشانی یا پرورش) پس از واگذاری

و ممانعت از ورود آن به دستور عین‌الدوله، اما با تمام این سختگیری‌ها این نشریه نیز مانند سایر نشریات برون‌مرزی به دست مردم ایران می‌رسید. از فعالان دیگر چه در صحنه سیاسی و چه در زمینه مطبوعاتی سیدجمال‌الدین اسدآبادی است. او نیز چون دیگر مبارزان راه‌آزادی معتقد بود که مردم باید آگاه شوند و اختناق حاکم بر ایران و به‌طورکلی استعماری که گریبانگیر مسلمانان جهان اسلام است باید از میان برداشته شود. یکی از راه‌هایی که برای رسیدن به این اهداف انتخاب کرد، انتشار روزنامه به صورت آزاد بود. تشویق و همفکری او در انتشار روزنامه‌های قانون و حبل‌المتین بسیار مؤثر بود، اما او فقط مشوق نبود بلکه خود نیز دست به انتشار نشریاتی در خارج از کشور زد. روزنامه‌های *عروة الوثقی* (۱۴) و *ضیاء الخاقین* (۱۵) نمونه بارز آن است. *عروة الوثقی* به زبان عربی و در پاریس به چاپ می‌رسید. این روزنامه در بیشتر کشورهای آسیایی توزیع می‌شد. *عروة الوثقی* پس از تشکیل یک انجمن سیاسی به همین نام، با کمک شیخ محمد عبده، مبارز مصری، از ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۰۱ هـ. ق منتشر شد. چون خطابش به مسلمانان و کشورهای تحت سلطه انگلیس بود. دولت انگلیس مانع از ورود آن به هندوستان و مصر شد. به‌رحال این نشریه عربی زبان در ایران هم خواننده داشت. از مطالب منتشر شده در این روزنامه می‌توان به «سیاست انگلیس در شرق»، «درماندگی انگلیس»، «جمود و انحطاط مسلمانان»، «ملت و سلطه حاکم مستبد» و نظایر آن اشاره کرد. از این روزنامه فقط ۱۸ شماره منتشر شده است. اما *ضیاء الخاقین* یک روزنامه عربی و انگلیسی بود که در لندن منتشر می‌شد. البته این نشریه ماهنامه بود و اولین شماره آن در ماه رجب ۱۳۰۹ هـ. ق به چاپ رسید در هر شماره آن مقاله‌ای در خصوص ممالک اسلامی چاپ می‌شد، اما دولت انگلیس به عناوین مختلف

انتشار آن را ممنوع می‌کرد. یکی از این موارد تهدید کردن چاپخانه‌ای بود که حروف عربی داشت و روزنامه در آن به چاپ می‌رسید. تهدید مبنی بر آن بود که اگر این روزنامه باز هم در این چاپخانه چاپ شود، دولت انگلیس سفارش‌های خود را - که مبالغه‌ناگفتی را در سال در بر می‌گرفت - به آن چاپخانه قطع خواهد کرد. با این تهدید انتشار روزنامه متوقف شد و سیدجمال بعد از مدتی به دعوت سلطان عثمانی به استامبول رفت و تا آخر عمر خود در همان‌جا ماند.

در مجموع از این نشریه فقط چهار شماره منتشر شده است. مقاله شماره اول آن راجع به خرابی اوضاع ایران بود و از شماره دوم مورخ ۶ شعبان ۱۳۰۹ صورت

نشریه در سال ۱۳۰۸ - ۱۳۰۹ هـ. ق برابر سال ۱۸۹۱ م منتشر شد و بخش فارسی آن توسط شیخ محمدحسن سیرجانی ملقب به شیخ‌الملک اداره می‌شد. هر دو روزنامه فکاهی - سیاسی بودند.

از دیگر نشریات پیش از مشروطه مجله درس فارسی در شهر بمبئی هند بود که به دو زبان فارسی و انگلیسی از ربیع‌الاول سال ۱۳۰۰ هـ. ق برابر ۱۸۸۳ م منتشر شد. مندرجات آن دستور زبان فارسی و مطالبی ادبی بود. مؤسس این مجله آقایان میرزا محمدجعفر و میرزا محمدصادق خراسانی کنسول ایران در کراچی بودند. از دیگر روزنامه‌های برون مرزی سیدالاحبار بود که تحت نظر سیدآقا شیرازی در حیدرآباد دکن منتشر می‌شد و

### ■ از مطالب منتشر شده در *عروة الوثقی* می‌توان به سیاست انگلیس در شرق، درماندگی انگلیس، جمود و انحطاط مسلمانان، ملت و سلطه حاکم مستبد و نظایر آن اشاره کرد.

مکتوبی را که خود سیدجمال خطاب به همه علمای بزرگ ایران به اسم آنها نوشت و آنها را به خلع ناصرالدین شاه تحریک کرده بود، منتشر ساخت. نشریه دیگری که مقالاتی از سیدجمال‌الدین در آن به چاپ می‌رسید، *ابونظاره* نام داشت. این روزنامه از نشریات مترقی آن زمان بود که در پاریس چاپ شده و به ایران هم می‌آمد. ناشر آن یعقوب سانوا یک یهودی مبارز مصری بود که به علت تهیه مقالات انقلابی از مصر به فرانسه تبعید شده بود. اما بدون در نظر گرفتن مذهب خود با سیدجمال همکاری می‌کرد. به دنبال این روزنامه نشریه دیگری به نام *تودد یا التودد* نیز در پاریس منتشر کرد که به چهار زبان عربی، فارسی، ترکی و فرانسه بود. این

اولین شماره آن در سال ۱۳۰۶ هـ. ق برابر ۱۸۸۸ - ۱۸۸۹ م به چاپ رسید. این روزنامه به ترجمه اخبار خارجی از جراید مهم انگلستان می‌پرداخت و راجع به روابط ایران و روسیه نیز مطالبی می‌نوشت. اما هنوز مشخص نیست که انتشار آن تا چه زمانی ادامه داشته است. روزنامه *شاهسون* (۱۶) از دیگر نشریات مترقی برون مرزی بود که در حدود سال ۱۳۰۶ هـ. ق در اسلامبول انتشار یافت. ناشرین این نشریه فکاهی حاج‌عبدالکریم طالب اف و سیدمحمد شبستری بودند. طالب اف در آگاهی و بیداری مردم و نهضت سیاسی اجتماعی آن روز نقش مهمی داشت و علاوه بر مقالاتی که منتشر می‌کرد کتاب‌های متعددی نیز به چاپ



رسانند. از این نشریه فقط ۳۰۰ نسخه منتشر و مخفیانه وارد ایران می‌شد. در بالای صفحه اول آن نوشته شده بود: «هرچهل سال یکبار منتشر می‌شود.» از دیگر نشریاتی که فقط چندشماره آن در دست است، روزنامه کوکب‌ناصری است که در شهر بمبئی هند به همت میرزا مصطفی شیخ‌الاسلام بهبهانی پایه‌گذاری شد و در سال ۱۳۰۹ هـ. ق برابر ۱۸۹۱-۱۸۹۲ م اولین شماره خود را منتشر کرد. از دیگر نشریات مجموعه ماورای بحر خزر است که در سال ۱۳۲۲ در شهر عشق‌آباد روسیه منتشر شد. این روزنامه ارگان سیاست روسیه در ایران بود و در مدت جنگ روس و ژاپن، فتوحات روسیه در آن به چاپ می‌رسید. این روزنامه نیز مصور بود. از دیگر نشریات روزنامه‌کمال در قاهره (در سال ۱۳۲۳ هـ. ق. ۱۹۰۵ م)، مجله قندپارسی در علیگر هندوستان (در سال ۱۳۲۳ هـ. ق. ۱۹۰۵ م) می‌باشند.

**دعوت الاسلام در بمبئی هند (سال ۱۳۲۴ هـ. ق. ۱۹۰۵ م) و ارشاد در باکو (سال ۱۳۲۳ هـ. ق. ۱۹۰۵ م) است. نکته قابل توجه، درگیری‌های داخلی روسیه و جنگ با ژاپن بود که تأثیرات عمیقی بر مردم ایران گذاشت و شعور سیاسی توده‌های مردم را بیدار کرد. از سوی دیگر اخراج کارکنان ایرانی شاغل در صنعت نفت روسیه از باکو و ورود آنان به ایران، باعث شد تا مردم با درگیری‌های داخلی روسیه که از سال ۱۹۰۵ آغاز شد و تا سال ۱۹۰۷ م. ادامه یافت آشنا شوند، که این موارد خود از علل وقوع انقلاب مشروطه ایران در سال ۱۹۰۶ م شد. تعدادی از روزنامه‌های برون مرزی، از روسیه وارد ایران می‌شد، به همین سبب لازم است با وضع روزنامه‌ها در آن طرف مرز ایران و همسایه شمالی خود نیز آشنا شویم که بیشتر آن‌ها در قفقاز چاپ می‌شد.**

مطبوعات دوران بعد از سال ۱۹۰۵ م قفقاز را به‌طور کلی به چهار گروه می‌توان تقسیم کرد: (۱۷)

۱. مطبوعات سوسیال دموکرات مثل توج دعوت باکینسکی رابوچی، تکامل، گودوک، اورر، پولداش، بالینسکی پرولتار...

۲. مطبوعات دموکراتیک مانند ملانصرالدین

۳. مطبوعات میانه‌رو مانند اقبال، صدا، نجات، ارشاد، دوغروسوز، (حرف راست)، ایشیسی (روشنایی)، هلال، طوطی، کلینت، بهلول، بابای امیر، زنبور و...

۴. مطبوعات ارتجاعی مانند فیوضات، شلاله، دیریا سیک (زندگانی) و...

بعضی از این نشریات قبل از مشروطه



و یا همزمان با آن وارد کشور می‌شد. از میان این روزنامه‌ها تکامل، ملانصرالدین و ارشاد در ایران طرفداران بیشتری داشت. اما مطبوعات ارتجاعی روسیه در دوران انقلاب مشروطه، اخبار ساختگی و مطالب منحرف‌کننده زیادی درباره ایران انتشار می‌دادند و سعی داشتند تا تصویری دستکاری شده از رویدادهای آن زمان ارائه بدهند. در چنین شرایطی روزنامه‌های آن دوره و بعضی از روزنامه‌های مترقی قفقاز، مطالبی در رد این اتهامات و دروغ‌پردازی‌ها چاپ می‌کردند. دو تن از این نویسندگان نریمان نریمانوف و عزیز حاجی بگوف بودند. این دو تن در آگاه کردن مردم بسیار کوشیدند. نریمانوف با

مقالات تند سیاسی و عزیز با مقالات طنزآلود.

نریمان نریمانوف پایه‌گذار حزب همت در آذربایجان شوروی بود و حزب سوسیال دموکرات ایران هم از آن نشأت گرفته بود. او در نشریات متعددی به قلمفرسایی می‌پرداخت و قصد آگاهانیدن هر چه بیشتر توده‌های مردم را داشت. او در ارشاد، اقبال، حیل‌المتین، و حتی ایروستیا که ارگان چپ‌گرایان بود مطلب می‌نوشت. و دیگر این که طرفدار سادگی و ساده‌نویسی و از شاگردان میرزا فتحعلی آخوندزاده بود. نریمانوف پایه‌گذار نخستین حزب کمونیست در دنیا بود. در این میان با رسول‌زاده از برجسته‌ترین شخصیت‌های آذربایجان به همکاری پرداخت و نتیجه این همکاری درخشش کم نظیر روزنامه تکامل بود. رسول‌زاده نویسندگی سیاسی خود را با این روزنامه آغاز کرد و مدیر آن بود. اما تکامل (۱۸) فقط از ۱۶ دسامبر ۱۹۰۶ تا ۲۶ مارس ۱۹۰۷ م به چاپ رسید و سپس توقیف شد. این روزنامه در میان ایرانیان چه در داخل چه در قفقاز طرفداران بسیاری داشت.

یکی از مؤثرترین مطبوعات این دوره مجله (روزنامه) ملانصرالدین (۱۹) بود. این نشریه با زمینه سیاسی - فکاهی خود یکی از پرتیراژترین مطبوعات به حساب می‌آمد.

استفاده از زبان ترکی و چاپ کاریکاتور یکی از دلایل محبوبیت این مجله بود. مدیر آن میرزا جلیل قلی‌زاده بود و اولین شماره آن اندکی پس از صدور فرمان مشروطیت در ۱۲ صفر ۱۳۲۴ هـ. ق. انتشار یافت. مدیر مجله در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۰۶ در پاسخ کسانی که اطلاعاتی درباره انتشار مجله خواسته بودند چنین می‌نویسد:

«... نصف بیشتر مشتریانمان از ایران هستند. یعنی بیش از ۱۵ هزار نسخه مجله از خراسان گرفته تا تهران و اصفهان و تبریز و حتی بین دهاتیان منتشر می‌شود.

سیزده هزار و ششصد و نود شماره از این تعداد به آبنه‌هایمان ارسال می‌شود و بسقیه به‌طور تک‌فروشی انتشار می‌یابد...» (۲۰)

این نشریه در طی ۲۵ سال انتشار خود، بر منطقه وسیعی از آسیا و به ویژه ایران اثر گذاشت و مکتب در طنز سیاسی پسندید آورد و پیروانی در ایران یافت. روزنامه‌های آذربایجان، نسیم شمال، حشرات‌الارض، بهلول، کشکول و صوراسرافیل کم و بیش تحت تأثیر ملانصرالدین بودند.

همکاران این نشریه صابره، علی نظمی، محمدسعید اردوبادی، عبدالرحیم بگ حقوق‌دیف، علی قلی غمگسار و چند تن دیگر بودند.

ملانصرالدین به جهت چاپ مطالب و

ملانصرالدین که چندان شائبه سیاسی نداشت و چیزی نمی‌نوشت که به دولتیان بریخورد، به بهانه «مسلک مضرش» توقیف گردیده است...» (۲۱)

این نشریه پیش از آن هم یک بار در سال ۱۹۰۶، به جهت سرخ بودن صفحه اول شماره دومش توقیف شده بود که عزیز در ارشاد شماره ۹۳ بدان مناسبت نوشته بود: «اکنون بیچاره ملانصرالدین در زندان نشسته با خود چنین می‌اندیشد: ارباب حکومت، از این چیزهای قورمز رنگ عجب ترسی دارند.» (۲۲)

ملانصرالدین را عده‌ای از متعصبان اوراق مضله می‌شمردند و خواندن آن را گناه و باطل‌کننده روزه می‌دانستند. به دنبال این مسأله تقاضای فتوایی از علمای نجف به عمل آمد که گفته شده بود «امثال

## ■ نشریات ارشاد و حقیقت از جمله روزنامه‌های بیرون‌مرزی بودند

که گرچه به زبان فارسی چاپ نمی‌شدند، اما هواداران فراوانی در ایران داشتند و مطالب مختلفی نیز از ایران در آن به چاپ می‌رسید.

کاریکاتورهای مردمی گاه تحت تعقیب و توقیف قرار می‌گرفت و گاه بعضی از مقالات کاریکاتورهایش اجازه چاپ نمی‌یافت و گرداننده روزنامه با زیرکی خاصی به جای مقاله یا کاریکاتورسانسور شده را سفید می‌گذاشت و خوانندگان را متوجه وجود سانسور می‌کرد.

عزیزحاجی بگسوف که یکی از طنزپردازان روزنامه‌های ارشاد، ترقی، اقبال و نظایر آن بود، بعد از توقیف ملانصرالدین مقاله‌ای در شماره ۱۲ ژوئن آن روزنامه انتشار داد و به دفاع ملانصرالدین پرداخت: «... بلی ملانصرالدین قدیمی را که عالم مشهوری بود، به جهت حق‌گویی، نوکران استبداد چندان آزردهند که بیچاره خود را به دیوانگی زد... اما تعجب در این جاست که

نشریه دیگری که از آن نام برده شد ارشاد (۲۲) است. این نشریه ترک زبان بود و از سال ۱۳۲۳ ه. ق تا ۱۳۲۴ ه. ق یک ضمیمه فارسی نیز به چاپ می‌رساند که توسط ادیب‌الممالک اداره می‌شد. مدیر آن احمد بیک آقایوف قزاقی بود. عزیز حاجی بگسوف که هم در نویسندگی و هم در موسیقی دستی داشت، در این روزنامه مطالب مختلفی می‌نوشت که هم فکاهی هم سیاسی و تند بود. او فارسی را خوب می‌دانست و با شعرو ادب آن آشنایی کامل داشت و مقالاتی نیز به طنز و یا غیرطنز به فارسی دارد. او مقالات خود را با نام عزیز حاجی بگسوف و اگر طنزآلود بود به اسم‌های مستعار «فلان‌کس»، «بی‌سواد»، «چوپان»، «قاف»، «حمامچی» و... می‌نوشت. او آزادسخواه بود و در جست‌وجوی سعادت، و این‌گونه افکار دستمایه مقالاتی بود که می‌نوشت. از مقالات او در ارشاد می‌توان از «از آنجا و اینجا» مقاله‌ای درباره سانسور (شماره ۱۱، ۱۳ ژوئن ۱۹۰۷ ارشاد)، «حریت مطبوعات»، «تنقید سعدی» «تنقید سعدی تعریف حافظ» که این دو مطالب آخر در دو شماره ۲۴ و ۲۵ مه ۱۹۰۷ ارشاد آمده است. عزیز از سال ۱۹۰۹ سردبیر و مدیر روزنامه حقیقت هم بود. نشریات ارشاد و حقیقت از جمله روزنامه‌های بیرون‌مرزی بودند که گرچه به زبان فارسی چاپ نمی‌شدند، اما هواداران فراوانی در ایران داشتند و مطالب مختلفی نیز از ایران در آن به چاپ می‌رسید.

همزمان با صدور فرمان مشروطیت (۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ ه. ق، ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ و ۴ اوت ۱۹۰۶) نیز مطبوعاتی در خارج از کشور شروع به کار کردند، از جمله نشریه خلافت (۲۵). این روزنامه همزمان با آغاز مشروطیت توسط آذربایجانی‌ها در لندن منتشر شد. اولین شماره آن در نهم جمادی‌الاول ۱۳۲۴ ه. ق برابر اول ژوئیه ۱۹۰۶ م بود. مدیر نشریه حاج شیخ حسن تبریزی بود که روزنامه را با همکاری یک شخصیت فراری مصری به نام نجیب

آن روزنامه نیست» مگر سبب و شتم علما و غیر آنها... و صورت واعظ و اهل وعظ و مسجد را هیأت منکره تصویر می‌کنند که هرکس ببیند در نظرش موهون باشد...» به دنبال این تقاضای فتوا، عده‌ای از علما آرایسی را صادر کردند، از جمله گفتند «... کاتب این قسم روزنامه‌ها و اتباع آن کافر و کاشف از کفرهای دیگر است و مکتوبش ضلال و پول دادن و خریدن حرام و بدتر از اعانت این‌زیاد و بنی‌امیه است...» (۲۳)

این نشریه در طول انتشار خود به علت حمله کشیدن کاریکاتورهایی بر علیه برخی مورد کم لطفی و حتی بی‌مهری آنها قرار گرفت. در حالی که مردم با اشتیاق فراوان آن را دست به دست می‌گردانند. ملانصرالدین در تفلیس منتشر می‌شد.

هنده شامی منتشر می‌کرد. آخرین شماره آن در ۱۵ فوریه ۱۹۰۷ م انتشار یافت. همچنین دعوت‌الاسلام که مجله‌ای دینی بود و شماره اول خود را با نام اسلام‌نامه منتشر کرد در سال ۱۳۲۴ هـ. ق در شهر بمبئی هند آغاز به کار کرد. مدیر آن سید محمدعلی داعی‌الاسلام بود.

در این هنگام آزادی‌هایی که در داخل کشور پدید آمد سبب شد مطبوعات با ارزش داخلی فعالیت خود را آغاز کنند. اما با این حال مطبوعات برون‌مرزی نیز به کار خود ادامه دادند. در سال ۱۳۲۵ هـ. ق روزنامه مصوری به نام حقایق در شهر بادکوبه روسیه آغاز به کار کرد.

بخشیدند و تعدادی نشریه جدید نیز به آنها اضافه شد. این دوره که به «استبداد صغیر» شهرت یافته است تا عزل محمدعلی شاه ادامه یافت. روزنامه‌هایی چون حکمت، حبل‌المتین و چهره‌نما در این زمان به انتشار خود ادامه دادند و روزنامه‌هایی چون شمس، اصلاح، نامه وطن، تمدن و مظفری انتشار خود را آغاز کردند.

روزنامه شمس (۲۶) در ۸ شعبان ۱۳۲۶ هـ. ق به همت سیدحسن تبریزی در استانبول منتشر شد. این روزنامه در اولین شماره خود عکسی از ملک‌المتکلمین چاپ کرد. در مقاله آغازین خود از تمام

## مروری بر تاریخ روزنامه نگاری در ایران



مدیر آن میرزا علی محمدخان اویسی مردی ادیب و عالمی سیاسی بود که در بادکوبه نایب‌کنسول ایران بود.

اوضاع و احوال همین گونه جریان داشت که محمدعلی شاه به مخالفت با مشروطه خواهان برخاست و در ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ هـ. ق مجلس شورای ملی توسط لیاخوف قزاق روسی به توپ بسته شد و آزادیخواهان زیاد دستگیر و اعدام شدند. در این اوضاع مطبوعات داخلی تعطیل شدند و فقط چند نشریه دولتی باقی ماندند. عده‌ای از ناشرین این روزنامه‌ها کشته شده و تعدادی از ایران گریختند. به دنبال این واقعه جراید برون‌مرزی فعالیت‌های سیاسی خود را شدت

مجلس در سال ۱۳۲۶ هـ. ق در پاریس به زیر چاپ رفت. این روزنامه توسط دکتر میرزا جلیل خان موبدالحکما منتشر شد و از دموکراسی نوپا در ایران حمایت می‌کرد، امکانات تحریری این نشریه ناچیز بود و بیشتر مطالب خود را از ترجمه روزنامه‌های فرانسوی و انگلیسی فراهم می‌کرد.

در سال ۱۳۲۶ هـ. ق صحاف‌باشی که از تهران فرار کرده بود، به شهر حیدرآباد دکن رفت. جریده‌ای را به نام نامه‌وطن انتشار داد. از مضمون این نشریه اطلاع دقیقی در دست نیست. در غره رمضان همین سال (۱۳۲۶ هـ. ق) نیز روزنامه تمدن در بمبئی هندوستان در چاپخانه حبل‌المتین منتشر شد، اما فقط یک شماره این نشریه به همت مدیرالممالک‌هرندی به چاپ رسید. مدیرالممالک‌هرندی که مدیر روزنامه تمدن تهران بود، پس از انهدام مجلس به هند فرار کرد و از آنجا با میرزا علی‌آقا شیرازی که او هم مدیر روزنامه مظفری بوشهر در ایران بود به مصر رفتند. میرزا علی‌آقا شیرازی یا لیب‌الملک که او نیز پس از بمباران مجلس از ایران گریخت ابتدا به هند، سپس به مصر و بعد به مکه رفت. او یک شماره از روزنامه مظفری را که در مکه با عنوان نامه ملت منتشر کرد و پس از پیروزی مجدد آزادیخواهان به ایران بازگشت. اما پس از مدتی روزنامه‌اش در ایران توقیف شده و به علت نفوذ انگلیس‌ها در جنوب به عراق تبعید می‌شود. در آنجا نیز دست به چاپ روزنامه زد و چهار روزنامه انتباه، حقایق، انتقام و غیرت کربلا را منتشر کرد. تغییر نام‌ها به علت توقیف روزنامه‌ها پس از انتشار چند شماره بود. وی سرانجام در سال ۱۳۳۶ هـ. ق درگذشت. مقالات او برای بیداری ایرانیان و مبارزه با استعمار انگلیس بود. (۲۷).

علاوه بر نشریاتی که ذکر آن رفت، تعدادی از روزنامه‌های داخلی به علت تعطیل شدن از طرف دولت، در خارج از کشور به انتشار روزنامه دست زدند. از

آزادیخواهان خواست تا آنها نیز با وی همکاری کرده و او را یاری کنند. این روزنامه دارای یک مقاله اساسی، مقالات مختلفی درباره وقایع ایران یا ترجمه مطالب و اخباری بود که روزنامه‌های خارجی درباره ایران می‌نوشتند. نویسنده با بی‌پروایی درباره مسایل ایران قلم می‌زد و همین مسأله باعث توجه ایرانیان به این روزنامه شد. در بعضی از شماره‌های این نشریه تصاویر سران مشروطیت و عکس‌های دسته‌جمعی آنها چاپ شده بود. از ویژگی‌های روزنامه شمس عدم استفاده از واژگان عربی و بیگانه بود. این روزنامه دوبار در مرز ایران توقیف شد. اما روزنامه اصلاح کمی پیش از بمباران

جمله روح القدس و صوراسرافیل. (۲۸).  
روح القدس به همت علی اکبر خان قزوینی (دهخدا) به منظور تداوم راه سلطان‌العلمای خراسانی - بنیانگذار این نشریه در تهران - منتشر شد. خراسانی در زمان کودتای محمدعلی شاه در تهران به قتل رسید. اولین شماره این نشریه در ۲۴ صفر ۱۳۲۷ ه. ق درپاریس به چاپ رسید، اما فقط دو شماره از آن منتشر شد. نشریه صوراسرافیل نیز که قبل از کودتای محمدعلی شاه در تهران به وسیله میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل کار خود را آغاز کرد، پس از کشته شدن میرزا جهانگیرخان در روز کودتا به همت علی اکبر دهخدا و تنی چند از آزادیخواهان که از کشتار آن روز جان سالم به‌در برده بودند در پاریس پایه‌ریزی شد. افرادی چون تقی‌زاده، سیدحسن کاشانی و میرزا علی اکبرخان تبریزی در سوئیس کار خود را آغاز کردند. مقدمات چاپ و نشر این روزنامه در پاریس آغاز شد اما بعد به ژنو و سپس به شهر ایوردن در سوئیس رفت. صوراسرافیل در سوئیس تا سه شماره منتشر شد. مطالب از این شهر (ایوردن) به پاریس می‌رفت و در آنجا چاپ می‌شد اما عدم وجود امکانات چاپ و نداشتن پول، موانعی بود که بر سر راه چاپ این نشریه وجود داشت. اولین شماره در غره محرم ۱۳۲۷ ه. ق برابر ۲۳ ژانویه ۱۹۰۹ منتشر شد و آخرین شماره در ۱۵ صفر ۱۳۲۷ ه. ق. صوراسرافیل از طریق چهار سفارتخانه ایتالیا، بلژیک، اتریش و آلمان به ایران وارد می‌شد و توسط سفارت عثمانی برای بست‌نشینان در این سفارت می‌رفت. در شماره سوم یا آخرین شماره این نشریه بود که شعر مشهور دهخدا (یاد آر زشمع مرده یاد آر) که در رشای میرزا جهانگیرخان سروده بود، منتشر شد. بعد از انتشار آخرین شماره، دهخدا سوئیس را به قصد استانبول ترک کرد. ورود دهخدا به استانبول هم‌زمان با پیشرفت انقلابیون به سوی پایتخت بود که دهخدا به این فکر افتاد تا با کمک انجمن مشروطه خواه

سعادت روزنامه‌ای به نام سروش منتشر کند. اولین شماره این نشریه در ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ ه. ق برابر ۳۰ ژوئن ۱۹۰۹ منتشر شد. مطالب مندرج در این نشریه، بیشتر درباره اصول حقوق اساسی و مشکلات حکومت در ایران و نظایر آن بود. رفته رفته تلگراف‌هایی که از تهران رسید خبر از آزادی داد و ایرانیان دسته دسته به کشور بازگشتند. سروش پس از نشر ۱۵ شماره برای همیشه تعطیل شد. بر سر تعداد شماره‌های این نشریه تعارض است، صدرهاشمی ۵ شماره را ذکر می‌کند اما دکتر معین در مقدمه لغت‌نامه دهخدا تعداد را ۱۵ شماره نوشته است. از نشریات دیگری که در سال ۱۳۲۷ منتشر شدند روزنامه اصلاح چاپ بمبئی

پس از پیروزی آزادیخواهان و از بین رفتن دوره استبداد صغیر نیز روزنامه‌هایی در خارج از کشور به چاپ رسید. مانند روزنامه اخوت در بغداد (سال ۱۳۲۸ ه. ق برابر ۱۹۱۰ م) درة‌النجف در نجف (۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۸ ه. ق برابر ۱۹۱۰ میلادی) فکر استقبال در استانبول (۲۱ شعبان ۱۳۲۸ ه. ق برابر ۱۹۱۰ م) نجف در شهرنجف (۱۶ جمادی‌الاول ۱۳۲۸ ه. ق، برابر ۱۹۱۰ م) شیدا، در استانبول به دو زبان ترکی و فارسی که نشریه‌ای بود مصور و نیمه فکاهی که اولین شماره آن در ۲۹ شوال ۱۳۲۹ ه. ق منتشر شد. آخرین شماره آن نیز در دوم محرم ۱۳۳۰ ه. ق منتشر شد. این روزنامه مسلک خود را بیان حقیقت

### ■ مطبوعات برون‌مرزی یکی از عوامل مهم براندازی حکومت استبدادی ایران در دوره قاجار محسوب می‌شوند و نمی‌توان نقش آنها را در تجددگرایی نادیده گرفت.

عنوان کرده بود. از دیگر مطبوعات، جریده پیامبرباختر است که توسط بهایی‌های مقیم واشنگتن در آمریکا به منظور تبلیغ مذهب بهاء منتشر می‌شد. این نشریه از اول ماه مارس ۱۹۱۱ م، برابر سال ۱۳۲۹ ه. ق انتشار خود را به دو زبان فارسی و انگلیسی آغاز کرد. سایر نشریات برون‌مرزی تا انقراض قاجار در ایران عبارتند از کاوه در برلین آلمان که اولین شماره آن در ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۴ ه. ق برابر ۲۴ ژانویه ۱۹۱۶ م منتشر شد. دوره اول این روزنامه با ۴۵ شماره در ۱۸ ذی‌القعدة ۱۳۳۷ ه. ق پایان یافت. این روزنامه کاملاً سیاسی بود و وقایع و حوادث ایران را درج می‌کرد. نشریه دیگر مجله خورشیدخاور بود که در عشق آباد

هندوستان است. اولین شماره آن در محرم ۱۳۲۷ ه. ق زیر چاپ رفت و مدیر آن محمدرضا بوشهری بود. روزنامه‌ای نیز با نام آزادی (۲۹) به وسیله مبارزان راه آزادی در استانبول منتشر شد. مؤسس آن حسین ناجی قاسم‌زاده بود و اولین شماره آن در ۸ محرم ۱۳۲۷ انتشار یافت. در این نشریه مطالب جالبی درباره آزادی بیان و قلم نوشته شد که مورد توجه ایرانیان قرار گرفت. روزنامه آزادی خود را مدافع مشروطیت و ناشر افکارآزادی‌طلبان ایران می‌دانست. روزنامه مظهر نیز در تقلیس به سال ۱۳۲۷ ه. ق منتشر شد. این روزنامه به ترکی و قسمتی از آن به فارسی و روسی نوشته می‌شد. روزنامه‌ای سیاسی، ادبی و اقتصادی بود.

ترکستان به زبان فارسی منتشر می‌شد. مدیر آن سید مهدی قاسم‌زاده (قاسم‌اف) بود اولین شماره مجله را در روز یکشنبه غره ربیع‌الاول ۱۳۳۶ برابر دسامبر ۱۹۱۷ م منتشر کرد. این مجله جنبه تبلیغاتی داشت و برای پیشرفت مرام بلشویزم منتشر می‌شد. آخرین روزنامه در این دوره صدای ایران بود. این روزنامه نیز در شهر باکو به دوزبان فارسی و ترکی منتشر شد. مدیر آن خداداد عزیز بود. اولین شماره آن در جمادی‌الآخر ۱۳۳۸ ه. ق منتشر شد. در حال حاضر از پیش از این تاریخ اطلاعی در دست نیست.

#### نتیجه

مسلم است که مطبوعات در هدایت و تنویر افکار عمومی، در تمام جوامع بشری

را پوشانده بود، کنار رود و مردم از آنچه که در خارج روی می‌دهد آگاه شوند. ایرانیان در نتیجه مطالعه روزنامه‌ها و کتاب‌های ترجمه شده به تدریج متوجه حقوق خود شدند و دریافتند چگونه سالیان دراز است که اقلیتی آزادی را که حق طبیعی هر انسانی است از آنها سلب کرده است. ارتقاء آگاهی و شعور سیاسی ایرانیان منجر به مقابله با مستبدان و زمامداران خود رای آن زمان شد. انقلاب کبیر فرانسه، نهضت‌های انقلابی در روسیه و کوشش‌های آزادیخواهان در به دست آوردن آزادی و برانداختن اساس حکومت استبدادی، در ایرانیان نیز مؤثر افتاد و سبب شد مردم برای رسیدن به آزادی پافشاری کنند. این پافشاری به صدور فرمان مشروطیت انجامید. در این راه

انتشار روزنامه‌هایی چون اختر، حیل‌المتین، قانون، حکمت، ثریا، پرورش و بسیاری دیگر آبیاری شده بود به بار نشست. این روزنامه‌ها با مطالب و مقالات روشنگری که می‌نوشتند، آگاهی‌های لازم را به ایرانیان می‌دادند و آنها را تشویق به گرفتن حقوق قانونی خود می‌کردند. انتشار قانون اساسی عثمانی در روزنامه اختر و یا انتشار بخشی از کتاب استوارت میل به نام در آزادی توسط روزنامه قانون نمونه‌های بارز روشنگری است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که مطبوعات برون‌مرزی یکی از عوامل مهم براندازی حکومت استبدادی ایران در دوره قاجار محسوب می‌شوند و نمی‌توان نقش آنها را در تجددگرایی نادیده گرفت. □

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. نمونه‌هایی از این دست را در روزنامه وقایع اتفاق می‌توان دید.
۲. محمدصدر هاشمی، تاریخ مجلات و جراید ایران، انتشارات کمان، اصفهان، ۱۳۶۳، ص ۱۳.
۳. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۴، ص ۱۹.
۴. سبک‌شناسی، جلد سوم، ص ۳۷۴.
۵. تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران. جلد دوم، صص ۲۷۲ و ۲۷۳.
۶. طهرزاده شروانی منخلص به صابر است که اشعار انقلابی فراوانی دارد. مجموعه شعر هوپ هوپ نام از اوست.

#### منابع:

۱. بحی آرتین پور، از صبا تا ایما (تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی)، تهران: کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۰، جلد اول بخش دوم (بیداری) ص ۲۳۵.
۲. گوئل کهن. تاریخ ماسور در مطبوعات ایران از ۱۹۲۵ ه. ق تا صدور فرمان مشروطیت، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۰، جلد یکم، صص ۱۰۰ الی ۱۰۵ + ۱۴۲، همچنین، صد سرداری‌نیا، تاریخ روزنامه‌ها و مجله‌های آذربایجان، تهران: انتشارات دنیا، ۱۳۶۰، جلد یکم صص ۲۵ الی ۳۹، همچنین فریدون آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۱، فصل ۱۳، صص ۴۰۷ الی ۴۱۰. همچنین بحی دولت‌آبادی، حیات بحی، تهران: انتشارات فردوس چاپ ششم ۱۳۷۱، جلد اول صص ۱۲۴ و ۱۲۵ و همچنین، بحی آرتین پور از صبا تا ایما (تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی) تهران: کتاب‌های جیبی ۱۳۵۰، جلد اول، بخش دوم (بیداری) ص ۲۵۰.

### ■ مطبوعات در هدایت و تنویر افکار عمومی، در تمام جوامع بشری نقش مهمی برعهده داشته و دارند. به همین جهت نیز مطبوعات را رکن چهارم دموکراسی خوانده‌اند.

نقش مهمی برعهده داشته و دارند. به همین جهت نیز مطبوعات را رکن چهارم دموکراسی خوانده‌اند.

انتشار روزنامه در ایران که به دوران امیرکبیر می‌رسد، پس از او نیز رواج یافت و جمعی از روشنفکران را در داخل و خارج کشور به فکر انتشار روزنامه انداخت. البته انتشار روزنامه قدمت بیشتری دارد اما روزنامه به معنی امروزی آن به دوران امیرکبیر باز می‌گردد.

علاوه بر روزنامه‌هایی که در داخل انتشار یافت، روزنامه‌هایی نیز در خارج از ایران منتشر شد. روزنامه‌های داخلی مثل ایران و اطلاع دولتی بودند و اخبار تحریف شده‌ای را به مردم ارائه می‌دادند، اما انتشار نشریات برون مرزی باعث شد تا به تدریج پرده سیاه اختناق که فضای ایران

فعالیت آزادیخواهان و روشنفکران انکارناپذیر است. رقابتی که دو استعمارگر روس و انگلیس برای تصاحب منابع ایران با هم داشتند، به وسیله نشریات برون مرزی فارسی زبان به اطلاع مردم می‌رسید.

آزادی بیان، آزادی شخصی، آزادی اجتماعی و آزادی مطبوعات چهار آزادی است که خون‌های زیادی به خاطر آن ریخته شده و هنوز هم این کشمکش‌ها ادامه دارد. انتشار روزنامه‌های برون مرزی نقطه روشنی در دل سیاه استبداد بود که در مردم جانی تازه دمید و آنها را به آینده امیدوار کرد. گرچه به خاطر کارشکنی‌ها و سخت‌گیری‌ها همه چیز به کندی پیش می‌رفت اما با این حال نهال آزادی که سال‌ها توسط مبارزان و آزادیخواهان از راه



۳. ادوار برآون، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران، ترجمه محمد عباسی، تهران: انتشارات معرفت، ۱۳۳۳، جلد دوم، ص ۲۵.

۴. گوتزل، کهن، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران از ۱۲۵۳ هـ. ق تا صدور فرمان مشروطیت، تهران: انتشارات آگاه ۱۳۶۰، جلد اول، ص ۱۰۲.

۵. جمشید، ملکشاه پور، ادبیات نمایشی در ایران، تهران: انتشارات قدس ۱۳۶۳، جلد اول، صص ۱۰۷ تا ۱۱۴.

۶. گوتزل، کهن، تاریخ سانسور مطبوعات ایران از ۱۲۵۳ هـ. ق تا صدور فرمان مشروطیت، تهران: انتشارات آگاه ۱۳۶۰، جلد اول، صص ۱۶۶ تا ۱۳۸ + ۱۴۲، همچنین یحیی آربین پور از صبا تا نیما (تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی) تهران: کتاب‌های جیبی ۱۳۵۰، جلد اول، بخش دوم (بیداری) ص ۲۵۱. همچنین، یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، تهران: انتشارات فردوس، چاپ ششم ۱۳۷۱، جلد دوم، ص ۲.

همچنین محمد صدر هاشمی، تاریخ مجلات و جراید ایران، اصفهان: انتشارات کمال، ۱۳۶۳، جلد چهارم صص ۹۶ الی ۱۰۲. همچنین میرزا ملکم خان مجموعه روزنامه قانون، با مقدمه هما ناطق، تهران: انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۵، صص ۱ تا ۴.

۷. رحیم رئیس‌نیا، زمینه اقتصادی و اجتماعی مشروطیت ایران، تبریز: انتشارات ابن‌سینا، ۱۳۴۷، ص ۵۹.

۸. جمشید، ملکشاه پور، ادبیات نمایشی در ایران، تهران: انتشارات توس ۱۳۶۳، جلد اول، صص ۱۱۴ الی ۱۲۲.

۹. صمد، سرداری‌نیا، تاریخ روزنامه‌ها و مجله‌های آذربایجان، تهران: انتشارات دنیا ۱۳۶۰، جلد اول، صص ۴۰ تا ۴۴. همچنین یحیی آربین پور، از صبا تا نیما (تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی) تهران: کتاب‌های جیبی ۱۳۵۰، جلد اول، بخش دوم (بیداری) ص ۲۵۱. همچنین، گوتزل، کهن، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران از ۱۲۵۳ هـ. ق تا صدور فرمان مشروطیت، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۰، جلد اول، صص ۱۶۳ تا ۱۶۵. همچنین محمد صدر هاشمی، تاریخ مجلات و جراید ایران، اصفهان: انتشارات کمال ۱۳۶۳، جلد دوم، صص ۲۲۸ - ۲۳۰.

۱۰. گوتزل، کهن، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران از ۱۲۵۳ هـ. ق تا صدور فرمان مشروطیت، تهران: انتشارات آگاه ۱۳۶۰، جلد اول، صص ۱۶۵ تا ۱۶۸. همچنین پاولویچ، تریا، ابراسکی، سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران، ترجمه م. هوشیار تهران: انتشارات جیبی، چاپ دوم ۱۳۵۷، ص ۵۷.

همچنین، یحیی آربین پور از صبا تا نیما (تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی) تهران: انتشارات کتاب‌های جیبی ۱۳۵۰، جلد اول، بخش دوم (بیداری) ص ۲۵۲. همچنین یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، تهران: انتشارات فردوس، چاپ ششم ۱۳۷۱، جلد اول، ص ۲۰۰. همچنین محمد صدر هاشمی، تهران مجلات و جراید ایران، اصفهان: انتشارات کمال ۱۳۶۳، جلد دوم، صص ۲۰۰ الی ۲۰۸.

۱۱. گوتزل، کهن، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران از

۱۲۵۳ هـ. ق تا صدور فرمان مشروطیت، تهران: انتشارات آگاه ۱۳۶۰، جلد اول، ص ۲۰۳. همچنین آریان پور، از صبا تا نیما (تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی) تهران: انتشارات کتاب‌های جیبی ۱۳۵۰، جلد اول، بخش دوم (بیداری) ص ۲۵۱.

همچنین محمد صدر هاشمی، تاریخ مجلات و جراید ایران، اصفهان: انتشارات کمال ۱۳۶۳، جلد دوم، صص ۱۵۱ الی ۱۵۵. همچنین یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، تهران: انتشارات فردوس، چاپ ششم ۱۳۷۱، جلد اول، ص ۲۰۰.

۱۲. گوتزل، کهن، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران از ۱۲۵۳ هـ. ق تا صدور فرمان مشروطیت، تهران: انتشارات آگاه ۱۳۶۰، جلد یکم، ص ۲۰۳. همچنین یحیی آریان پور، از صبا تا نیما (تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی) تهران: انتشارات کتاب‌های جیبی ۱۳۵۰، جلد اول، بخش دوم (بیداری)، صص ۲۵۱ و ۲۵۲.

همچنین محمد صدر هاشمی، تاریخ مجلات و جراید ایران، اصفهان: انتشارات کمال ۱۳۶۳، جلد دوم، صص ۵۷ الی ۶۴. همچنین یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، تهران: انتشارات فردوس، چاپ ششم ۱۳۷۱، جلد اول، صص ۲۰۰ و ۲۰۱.

۱۳. محمد صدر هاشمی، تاریخ مجلات و جراید ایران، اصفهان: انتشارات کمال ۱۳۶۳، جلد دوم، صص ۱۹۰ الی ۱۹۶. همچنین گوتزل، کهن، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران از ۱۲۵۳ هـ. ق تا صدور فرمان مشروطیت، تهران: انتشارات آگاه ۱۳۶۰، جلد اول، صص ۲۲۶ الی ۲۲۸.

۱۴. گوتزل، کهن، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران از ۱۲۵۳ هـ. ق تا صدور فرمان مشروطیت، تهران: انتشارات آگاه ۱۳۶۰، جلد اول، صص ۱۱۶ الی ۱۱۹.

۱۵. محمود، محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹. تهران: انتشارات انبال، ۱۳۶۷، جلد پنجم، ص ۱۵.

۱۶. صمد، سرداری‌نیا، تاریخ روزنامه‌ها و مجله‌های آذربایجان، تهران: انتشارات دنیا، ۱۳۶۰، جلد اول، صص ۸۳ تا ۸۶. همچنین گوتزل، کهن، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران از ۱۲۵۳ هـ. ق تا صدور فرمان مشروطیت، تهران: انتشارات آگاه ۱۳۶۰، جلد اول، صص ۱۷۰ الی ۱۷۱. همچنین محمد صدر هاشمی، تاریخ مجلات و جراید ایران، اصفهان: انتشارات کمال ۱۳۶۳، جلد سوم، ص ۵۶.

۱۷. رحیم، رئیس‌نیا، عزیز حاجی بگوف و دو انقلاب، تهران: انتشارات چاپار ۱۳۵۷، ص ۸۹.

۱۸. نریمان، نریمانوف، برگزیده آثار نریمان نریمانوف، ترجمه محمد حریری اکبری انتشارات ابن سینا ۲۵۳۶، صص ۷-۱۷. همچنین عبدالصمد کامبخش، نظری بر جنبش کارگری در ایران (مجموعه مقالات) تهران: انتشارات گلبرگ (سال انتشار نامشخص است) ص ۱۷. همچنین، فریدون آدمیت، فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، تهران: انتشارات پیام ۱۳۵۴، چاپ اول، صص ۱۳-۱۴.

۱۹. گوتزل، کهن، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران از ۱۲۵۳ هـ. ق تا صدور فرمان مشروطیت، تهران: انتشارات آگاه ۱۳۶۰، جلد اول، صص ۲۲۸ الی ۲۲۹. همچنین صمد، سرداری‌نیا، تاریخ روزنامه‌ها و مجله‌های آذربایجان، تهران: انتشارات دنیا، ۱۳۶۰، جلد اول، صص ۱۷۸ الی ۱۷۹. همچنین، رحیم، رئیس‌نیا، عزیز حاجی بگوف و دو انقلاب، تهران: انتشارات چاپار ۱۳۵۷، صص ۹۰ الی ۱۲۸. همچنین م. س. ایوانف، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه کاظم انصاری تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم ۱۳۵۷، ص ۳۹.

۲۰. رحیم، رئیس‌نیا، عزیز حاجی بگوف و دو انقلاب، تهران: انتشارات چاپار ۱۳۵۷، ص ۱۰۵.

۲۱. همان منبع، ص ۱۱۴.

۲۲. همان منبع، ص ۱۱۴.

۲۳. همان منبع، ص ۱۱۵.

۲۴. گوتزل، کهن، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران از ۱۲۵۳ هـ. ق تا صدور فرمان مشروطیت، تهران: انتشارات آگاه ۱۳۶۰، جلد اول، صص ۱۱۹. همچنین محمد صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، انتشارات کمال ۱۳۶۳، جلد اول، صص ۱۱۵ تا ۱۱۷. همچنین رحیم رئیس‌نیا، عزیز حاجی بگوف و دو انقلاب، تهران: انتشارات چاپار، صص ۹۶-۱۳۱.

۲۵. صمد، سرداری‌نیا، تاریخ روزنامه‌ها و مجله‌های آذربایجان، تهران: انتشارات دنیا، ۱۳۶۰، جلد اول، صص ۱۱۷ الی ۱۱۹. همچنین محمد صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان: انتشارات کمال ۱۳۶۳، جلد دوم، ص ۲۴۷.

۲۶. گوتزل، کهن، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران از صدور فرمان مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی، تهران: انتشارات آگاه ۱۳۶۲، جلد دوم، صص ۴۸۸ الی ۴۹۰. همچنین محمد صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان: انتشارات کمال ۱۳۶۳، جلد سوم، صص ۸۲ الی ۸۴.

۲۷. منابع ابن روزنامه‌ها، محمد صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان: انتشارات کمال ۱۳۶۳، صص ۱۸۲ الی ۱۸۳ (جلد اول)، ۲۷۴ (جلد دوم)، ۱۳۷ (جلد دوم) ۲۱۹ - ۲۲۰ (جلد چهارم)، همچنین گوتزل، کهن، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران از صدور فرمان مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی، تهران: انتشارات آگاه ۱۳۶۲، جلد دوم، صص ۳۹۹ الی ۴۰۳.

۲۸. گوتزل، کهن، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران از صدور فرمان مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی، تهران: انتشارات آگاه ۱۳۶۲، جلد دوم، صص ۴۹۱ الی ۵۱۲.

۲۹. گوتزل، کهن، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران از صدور فرمان مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی، تهران: انتشارات آگاه ۱۳۶۲، جلد دوم، صص ۵۰۸ الی ۵۰۹. همچنین صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان: انتشارات کمال ۱۳۶۳، جلد اول، ص ۱۴۵.